



غنی‌سازی مسئله اصلی مذاکرات

یکی از مشکلات اصلی ترامپ در خاورمیانه، نداشتن استراتژی جامع است

در واقع، گزارش‌های مطبوعاتی حاکی از آن است که اسرائیل در ماه مه در حال آماده شدن برای انجام چنین حمله‌ای بود، اما ترامپ و تعداد انگشت‌شماری از مقامات امنیتی در آمریکا مانع از انجام این کار شدند. به طور متناقضی، ایران و ایالات متحده به دلیل تمایل مشترک‌شان برای جلوگیری از یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر که می‌تواند هزینه‌های متعددی داشته باشد، به هم نزدیک شده‌اند. با توجه به اینکه حدود ۲۰ درصد از نفت و گاز مورد نیاز جهان از خلیج فارس می‌گذرد و با توجه به اینکه سیاست تعرفه‌ای ترامپ بلوایی جهانی به بار آورده است، سناریوی عدم توافق می‌تواند ایالات متحده، اسرائیل و ایران را به سمت یک درگیری نظامی مداوم سوق دهد که زمینه‌ار برای یک بحران اقتصادی بین‌المللی فراهم می‌کند. خلاصه اینکه، یک توافق به ایران کمک بسیار ضروری برای خروج از مسیر خطرناکی را می‌دهد که برنامه غنی‌سازی شتاب‌یافته خودش به ایجاد آن کمک کرده است. در نهایت، بسیاری از کارشناسان نظامی ایالات متحده این سوال را مطرح کرده‌اند که آیا چنین حمله‌ای می‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را برای همیشه نابود کند یا خیر؟ اگر چه این حمله می‌تواند این برنامه را برای چند سال به عقب برگرداند، اما می‌تواند باعث تصمیم ایران برای خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و بازسازی برنامه هسته‌ای خود بدون محدودیت‌های هیچ نظام بین‌المللی کنترل و بازرسی شود. چنین تحولی می‌تواند باعث ایجاد یک مسابقه تسلیحاتی متعارف و حتی هسته‌ای با بسیاری از همسایگان عرب شود. این چیزی نیست که بسیاری از ایرانی‌ها بخواهند.

▼ معامله جایگزین استراتژی منسجم ایالات متحده نیست

مایکل اورن، سفیر سابق اسرائیل در ایالات متحده، اخیراً در صفحه Substack خود با عنوان «Clarity» استدلال کرد که با توجه به احتمال بسیار واقعی که نمایندگان آمریکایی و ایرانی در حال مذاکره برای یک توافق هسته‌ای جدید هستند، اسرائیل باید «برای بدترین حالت آماده شود» و «تضمین‌های امنیتی محکم ایالات متحده را دریافت کند... مبنی بر اینکه [اسرائیل] همیشه ابزار دفاع از خود در برابر تجاوز ایران را خواهد داشت. ما باید برای اولین بار اجازه خرید بمب‌افکن‌های استراتژیک و آموزش خدمه خود برای پرواز با آنها را داشته باشیم.» این سخنان قابل توجه، شکست کامل

خواهد کرد - اگرچه تهران به توافق ۲۰۱۵ پایبند بود - یا اینکه خواهند گفت که با توجه به اینکه مذاکرات منحصر‌آبر مسائل هسته‌ای متمرکز است، این توافق برنامه موشکی ایران را پوشش نمی‌دهد. آنها همچنین استدلال خواهند کرد که کاهش تحریم‌ها می‌تواند به ایران فرصتی برای احیای استراتژی «محور مقاومت» بدهد که اخیراً به شدت آسیب دیده است.

چنین معایب احتمالی باید در برابر مزایای بالقوه یک توافق جدید سنجیده شود: حتی برای اسرائیل و به ویژه ایالات متحده که همچنان با یک دشمن قدرتمند و غیرقابل اعتماد روبه‌رو خواهند بود. یک توافق، تندرورها را در هر دو طرف تضعیف می‌کند. توافق می‌تواند دولت جوان مسعود پزیشکیان را که علاقه بیشتری به تعامل و گفت‌وگو با غرب دارد تقویت کند و دست تندرورها در ایران را ببندد.

البته احیای بخت اصلاح طلبان منجر به دموکراسی لیبرال در ایران نخواهد شد. با این حال، می‌تواند به تغییر قدرت داخلی منجر شود که باعث کاهش فشار سیاسی در داخل و تعامل گسترده‌تر در خارج از کشور می‌شود و در حالی که استعفاي محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق، در دوم مارس از سمت معاونت راهبردی ریاست جمهوری، نشان‌دهنده نفوذ پایدار تندرورها است، یک توافق هسته‌ای همچنین می‌تواند به رئیس‌جمهور مسعود پزیشکیان کمک کند تا با محافظه کاران جریان اصلی ارتباط برقرار کرده و در نتیجه ائتلاف با الفعل خود را گسترش دهد و همه اینها در حالی است که می‌تواند حمایت رهبر معظم ایران را نیز حفظ کند.

علاوه بر این، یک توافق در واقع ممکن است خطرانی را که قطعاً با هرگونه تلاش برای ایجاد یک گزینه موثر سلاح‌های هسته‌ای برای ایران به همراه خواهد داشت، کاهش دهد. اگرچه ایران اورانیوم غنی‌شده کافی برای ساخت یک بمب دارد - و طبق برخی گزارش‌ها، ممکن است برای ساخت چهار یا پنج بمب دیگر کافی باشد - اما هنوز گام‌های پیچیده‌ای (مانند آزمایش) وجود دارد که ایران باید برای ساخت یک سیستم جامع که بتواند ظرفیت «ضربه دوم» را فراهم کند و مانع حمله اسرائیل شود، بردارد. در حالی که تخمین‌ها در مورد مدت زمان این امر متفاوت است، تلاش برای حرکت در این مسیر، حمله گسترده‌ای از سوی ایالات متحده و اسرائیل را تحریک خواهد کرد. این آخرین چیزی است که مقامات عالی‌رتبه در ایران می‌خواهند.

نگاه پژوهشگر

منتقدان توافق با ایران احتمالاً ادعا خواهند کرد که ایران ثقل خواهد کرد - اگرچه تهران به توافق ۲۰۱۵ پایبند بود - یا اینکه خواهند گفت که با توجه به اینکه مذاکرات منحصر‌آبر مسائل هسته‌ای متمرکز است، این توافق برنامه موشکی ایران را پوشش نمی‌دهد. آنها همچنین استدلال خواهند کرد که کاهش تحریم‌ها می‌تواند به ایران فرصتی برای احیای استراتژی «محور مقاومت» بدهد که اخیراً به شدت آسیب دیده است.

منتقدان توافق با ایران احتمالاً ادعا خواهند کرد که ایران ثقل

دانیل برومیرگ

رئیس مرکز دموکراسی و حکمرانی در دانشگاه جورج تاون



مدیر بنیاد تندرو دفاع از دموکراسی‌ها، با نگرانی از گزارش‌های اختلاف نظر در کاخ سفید در مورد سیاست ایالات متحده در قبال ایران، اخیراً هشدار داد که «به محض اینکه ایران احساس ناامیدی کند، از این اختلافات در آمریکا سوءاستفاده خواهد کرد.» این هشدار احتمالاً به واسطه سخنان استیون ویتکاف، فرستاده ارشد مذاکره‌کننده کاخ سفید، مطرح شده است که روز دوشنبه، ۱۴ آوریل، اظهار داشت: «ایران نیازی به غنی‌سازی اورانیوم بیش از ۳/۶۷ درصد ندارد»، اما روز سه‌شنبه اعلام کرد که «ایران باید برنامه غنی‌سازی و تسلیحاتی هسته‌ای خود را از بین ببرد.» در یک روز، او از موضعی که می‌توانست مبنایی برای یک توافق مذاکره‌شده باشد، به موضعی مشابه با تندر وهای دولت آمریکا، مانند مایک والتز، مشاور امنیت ملی، چرخش کرد. والتز اصرار دارد بر چیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران تنها هدف قابل قبول است. همه اینها به کجا ختم می‌شود؟ در حالی که پیش‌بینی کردن در مورد دونالد ترامپ بسیار دشوار است اما گزارش‌های مطبوعاتی متعدد (از جمله از ایران و اسرائیل) نشان می‌دهد که مذاکرات غیرمستقیم ۱۹ آوریل بین ایالات متحده و ایران در عمان پیشرفت داشته است. همین امر در مورد آخرین دور مذاکرات در عمان در روز شنبه نیز صدق می‌کند که از سوی طرف آمریکایی «امیدوارانه اما محتاطانه» توصیف شد. اینکه ترامپ ممکن است به‌رغم مخالفت مشاور امنیت خود، و البته مخالفت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، برای دستیابی به توافق تلاش کند، می‌تواند نشان دهد که او مقدر برای یک پیروزی در سیاست خارجی که خطراتی را به همراه دارد، بی‌تاب است. سوال بزرگ‌تر این است که چنین توافقی در کجای یک استراتژی گسترده‌تر در خاور میانه قرار می‌گیرد، یا اینکه آیا چنین استراتژی‌ای اصلاً در شرف وقوع است یا خیر.

▼ مزایای بالقوه یک توافق

منتقدان توافق با ایران احتمالاً ادعا خواهند کرد که ایران ثقل

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



۵ درس هسته‌ای از توافق برجام

۱ بحث درباره برنامه هسته‌ای به یک سوال اساسی ختم می‌شود و آن این است که ایران چه میزان اورانیوم مورد نیاز برای ساخت بمب می‌تواند تولید کند و تا چه میزان سریع؟ برنامه هسته‌ای ایران در مقایسه با ده سال پیش، بسیار متفاوت شده است. حالا ایران اورانیوم غنی‌شده بسیار بیشتری در اختیار دارد. بنابراین قاعدتاً خواسته آمریکا این خواهد بود که برنامه هسته‌ای ایران به عقب و به نقطه‌ای برگردد که قبل از امضای برجام بود. آنچه که دانشمندان ایرانی آموخته‌اند قابل نابود شدن نیست. بنابراین نظارت و بازرسی اهمیت بسیار بیشتری نسبت به زمان برجام دارد. اگر چه ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکایی گوید که ایران به دنبال ساخت بمب نیست، اما در همین گزارش تأکید شده که بحث‌های داخلی زیادی در ایران درباره لزوم ساخت بمب مطرح می‌شود. بنابراین قاعدتاً این توافق باید به گونه‌ای باشد که در صورت تصمیم ایران برای سخت بمب، آمریکا و متحدانش هشدارهای اولیه را دریافت کنند.

۲ دانش یعنی قدرت. در نتیجه هر معامله‌ای با ایران باید بر اساس فهم فنی از تولید مواد هسته‌ای باشد و تفاوتش با برنامه چرخه غیرنظامی سوخت هسته‌ای استوار باشد. مسلماً دو طرف درباره مسائل فنی مذاکرات مفصلی خواهند داشت. بحث‌های هسته‌ای در برجام بر اساس مفهوم «زمان گریز هسته‌ای» بود. اما حالا با توجه افزایش تجربه و قابلیت‌های ایران در برنامه هسته‌ای، شاید زمان گریز هسته‌ای نیز ساختار مناسبی برای مذاکرات جاری نباشد. با این حال تیم مذاکره‌کننده آمریکا مجبور است تکنیک‌های مذاکره فنی را به کار بگیرد تا اطمینان حاصل کند مفهومی جایگزین زمان گریز هسته‌ای در این مذاکرات مدنظر قرار بگیرد. برای تحقق این هدف، دانش فنی بسیار ضروری است. فهم توانایی‌ها و واقعیت‌های عملیاتی برنامه غنی‌سازی ایران نکته‌ای کلیدی در تصمیم‌گیری درباره میزان حفظ قابلیت‌های هسته‌ای ایران است.

۳ تعداد بیشتر، قدرت بیشتر می‌آورد. در برجام، آمریکا علاوه سه کشور اروپایی، چین و روسیه و آلمان با ایران مذاکره می‌کند. این ترکیب میزانی از اهرم فشار بر ایران تحمیل می‌کرد. از نظر ایران، مشارکت اروپایی‌ها هنوز هم اهمیت دارد چرا که تحریم‌های آمریکا بر ایران تجارت این کشور را به اروپایی‌ها مختل کرده است. اگر اروپایی‌ها بر سر میز مذاکره نباشند، ایران در ارزیابی منافع عملی از توافق، دچار مشکل خواهد شد. علاوه بر این، این کشورها توان فنی بیشتری به مذاکرات تزریق خواهند کرد. این مشارکت در برجام نیز وجود داشت. علاوه بر این، یک اتحاد چندملتی یکپارچه در زمان اجرای توافق بسیار مفید خواهد بود. علاوه بر این، گسترش دامنه طرف‌هایی که حامی مذاکرات و اجرای توافق هستند بسیار اهمیت دارد. عمان، مذاکرات را تسهیل کرده است. نروژ، قزاقستان، کره جنوبی و ژاپن حمایت‌های مهمی صورت داده‌اند و بسیاری از کشورها به لحاظ مالی و فنی از تلاش‌های آژانس برای بازرسی و نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران حمایت کرده‌اند.

۴ نباید به دنبال «یا همه چیز یا هیچ چیز» بود. می‌گویند در مذاکره، هیچ چیزی مورد توافق نیست تا همه چیز مورد توافق نباشد. وقتی کار به مذاکرات هسته‌ای با ایران می‌رسد، این اصل می‌تواند بیش از آنکه مفید باشد، مضر باشد. بنابراین هیچ ایرادی ندارد که برخی ترتیبات فنی تا زمانی که به اجرای تعهدات آسیب نمی‌زنند، بدون توافق باقی بمانند. در دوران مذاکرات برجام نیز برخی مسائل بدون راه حل به حال خود رها شدند. برای مثال در پاراگراف ۵۹ ضمیمه یک، اشاره شده که مقداری از سوخت مورد نیاز را کشور تحقیقاتی تهران می‌تواند در داخل ایران تولید شود و این میزان در ذخایر سوخت ایران محاسبه نخواهد شد. بنابراین بهتر است که اصول استراتژیک نخست مورد توافق قرار بگیرند چرا که برای یافتن راه حل برای جزئیات باید وقت زیادی صرف کرد.

۵ همه طرف‌ها باید برنده باشند. توافق زمانی رخ می‌دهد که همه طرف‌ها احساس کنند برنده هستند. این نتیجه در صورتی رخ می‌دهد که مذاکره‌کنندگان مواضع محترمانه‌ای داشته باشند و اهداف‌شان استراتژیک باشد. اگر هدف نپایی آمریکا این باشد که از بی‌ثباتی و وقوع مسابقه تسلیحاتی در خاور میانه جلوگیری کند، در این صورت توافق قابل دسترس خواهد بود. ایران نیز اعلام کرده است مایل است برخی از اجزای برنامه هسته‌ای‌اش را به عقب برگرداند. چنین توافقی یک بار حاصل شده و می‌تواند دوباره حاصل شود.

